

عدم آرامش و احساس ناراحتی به وجود نیاید.

حالت و وضعیت

این موضوع در گفتار تأثیر زیادی دارد. معلم هنگام سخن رانی باید بدن خود را راست نگه دارد و خود را پشت میز یا شیء دیگری پنهان نکند. چنین امری می‌تواند بر اعتماد در گفتار و حاضر کردن مطالب دلالت داشته باشد.

حرکات بدنی

حرکات بدنی هم حالت احساسی فرد را بیان می‌کنند. اشارات و حرکات به هنگام سخن گفتن، مخصوصاً توسط سر و صورت و نیز دست‌ها، از حرکتی هستند که اطلاعات بیشتری را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهند.

قدرت تفکر و بازآفرینی

فکر کردن فعالیتی نهانی است و

فقط فردی که فکر می‌کند، شاهد آن است. تجربه‌ی فکر کردن را به انواع متفاوت توصیف کرده‌اند؛ مانند: حرف زدن فرد با خود یا با دیگران، دیدن تصاویر ذهنی، تداومی‌های آزاد و بازآفرینی معانی. همه‌ی این موارد در فرایند تعلیم و تربیت، به ویژه در رابطه با انتقال مفاهیم و مطالب آموزشی کلاس درس، دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. دانش آموزان می‌توانند با قدرت تفکر خود، اشیا و رویدادهایی را که در محیط محدود اطرافشان حضور ندارند، از طریق تداومی نمادها و بیان تصاویر ملاحظه کنند. استفاده از نمادها برای بازکردن عناصر عملیات مربوط به یک حوزه در حوزه‌ای دیگر، از ویژگی‌های تفکر انسان است [طالب‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۷۱].

بر این اساس، آموزش معلم می‌باید مبتنی بر طرح عناصر عملیات در یک موضوع درسی و فرصت دادن به دانش آموزان برای بازآفرینی آن‌ها باشد. در این شرایط است که کار معلم از

محدوده‌ی یاددهی و یادگیری و ارتباط دوجانبه‌ی مکانیکی خارج می‌شود و باب سومی را نیز می‌گشاید. بدین معنی که نخست معلم مطالب آموزشی تازه‌ای را به شاگردان ارائه و توضیح می‌دهد. دوم، می‌کوشد تا شاگردان مطلب تازه را کاملاً جذب کنند. متأسفانه گاهی معلم به همین دو مرحله اکتفا می‌کند. سوم که مهم‌ترین رکن یادگیری نیز هست، معلم مطلب جدیدی به شاگردان عرضه می‌کند و می‌کوشد فضایی فراهم آورد که شاگردان از طریق بازاندیشی و بازآفرینی، واقعیت بیرون را با تجربه‌ی درونی خود بیامیزند و در تعامل این دو، ترکیبی جدید خلق کنند. بنابراین، مهم‌ترین اصل یادگیری در این روش توجه به اصل «بازآفرینی» است هر فرد به اقتضای تجربیات، گرایش‌ها و نگرش‌های خود، پیام‌های ارائه شده را جذب و بازسازی می‌کند. بر این اساس، فراگیرندگان در صورتی می‌توانند به فهم مطلب دست یابند که میان زبان و اندیشه پیوند واقعی ایجاد کنند [پلیایف، ۱۳۶۸: ۷-۸].

زیرنویس
* Golloway.

منابع

۱. دکتر کریمی، عبدالعظیم. الگوهای غیرکلامی و نمادین در تعلیم و تربیت نامرئی. دفتر انتشارات اسلامی. انتشارات تربیت. ۱۳۷۶.
۲. ساروخانی، باقر. جامعه‌شناسی و ارتباطات. انتشارات اطلاعات. ۱۳۷۵.
۳. کریمی، عبدالعظیم. رویکردی نمادین به تربیت دینی. انتشارات قدیانی. ۱۳۷۵.
۴. معتمدنژاد، کاظم. وسائل ارتباط جمعی. ناشر مرکز علامه طباطبایی. تهران. ۱۳۸۳.
۵. میلر، جerald. ارتباط کلامی. ترجمه‌ی علی ذکاوتی قره‌گزلو. انتشارات سروش. ۱۳۶۸.
۶. مظلومی، رجبعلی. گامی در مسیر تربیت اسلامی. انتشارات رشد. ۱۳۶۲.
۷. پلیایف، ب. و. روان‌شناسی آموزش زبان خارجی. ترجمه‌ی امیرفرهمن‌پور. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۸.
۸. طالب‌زاده، محمدرضا. کتاب روان‌شناسی و ارتباط. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۸.
۹. السورت، وهف و لنگروون. تابیر، روبرت تی. الفبای مدیریت کلاس، راهبردهایی برای آموزش اثربخش. ترجمه‌ی محمدرضا سرکارآرانی. انتشارات مدرسه. تهران. ۱۳۷۹.

چاشنی

در روزگار قدیم، حاکمی سنگ بزرگی را در وسط جاده‌ی اصلی قرار داد. سپس در گوشه‌ای پنهان شد تا ببیند چه کسی آن را از جلوی مسیر بر می‌دارد. بازرگانان ثروتمند با کالسکه‌های خود به کنار سنگ رسیدند، آن را دور زدند و به کار خود ادامه دادند. بسیاری از آن‌ها به حاکم بدویبراه گفتند که چرا دستور نداده است جاده را باز کنند. اما هیچ‌یک از آنان کاری به سنگ نداشتند. تا این که یک مرد روستایی با بار سبزیجات به نزدیک سنگ رسید. بارش را بر زمین گذاشت، شانه‌اش را زیر سنگ قرار داد و سعی کرد سنگ را به کنار جاده هل دهد. بعد از زور زدن‌ها و عرق ریختن‌های زیاد، بالاخره موفق شد. هنگامی که به سراغ بار سبزیجاتش رفت تا آن‌ها را بر دوش بگیرد و به راهش ادامه دهد، متوجه شد کیسه‌ای زیر آن سنگ در زمین فرو رفته است. کیسه را باز کرد. پر از سکه‌های طلا بود و یادداشتی از جانب حاکم، این سکه‌ها مال کسی است که سنگ را از جاده کنار بزند.